

تحلیل دکتر مجید شاکری از شرایط فعلی تحریم ها، روابط اقتصادی با چین و افق پیش رو در مواجهه با تبعات بازگشت ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا

نقشه مواجهه با فشار حداکثری ترامپ

کاسبان تحریم چه از دور زدن تحریم و چه از رفع حقوقی آن نفع می‌برند

مهدی حسن زاده
Political@khorasannews.com



در نشست‌ی که به همت جبهه آرمانخواهان واقع بین در مشهد برگزار شد، دکتر مجید شاکری، مدرس دانشگاه و کارشناس اقتصاد بین الملل، تحلیل خود را از وضعیت مراودات اقتصادی با قدرت های جهانی، شرایط فعلی تحریم ها، ظرفیت های موجود در مواجهه با تحریم ها به ویژه در ارتباط با چین و افق پیش روی کشور در مواجهه با تبعات بازگشت ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا مطرح کرد. خلاصه ای از این نشست و تحلیل ارائه شده از سوی وی را بخوانید:

رفتارهای تهران جزو ۵ موضوع اول موثر بر تصمیمات آمریکا درباره ایران نیست

این که شرایط ما شرایط مناسبی نیست، اصلاً قابل انکار نیست. طی ۱۰ سال گذشته سرانه تولید ناخالص داخلی کاملاً منفی است و در واقع رشد متوقف است. تشکیل سرمایه ثابت (یکی از اجزای مهم، رشد اقتصادی) تقریباً در همه سال ها حتی سال های بر جام منفی بوده و آثارش را شما ملاحظه می کنید. مشکل گاز وجود دارد، مشکل برق وجود دارد، برای اولین بار بعد از چند دهه شما با خاموشی بر نامهربزی شده مواجه هستید و... بنابر این هر کسی هم بخواد جز این را نشان دهنه به نظر دارد اشتباهی می کند. مسئله این جاست که ما باید در ک کنیم که اساساً رفتار های تهران جزو پنج موضوع اول موثر بر تصمیمات آمریکا در باره ایران نیست که شما بخواید با تغییری در تهران باعث تغییر رفتار در طرف مقابل شوید. حال این تغییر در هر طرفی که می خواهید باشد. چهمشک بیشتری پرتاب کنید، چه این که خود کار بیشتری روی میز مذاکره پرتاب کنید. مسئله این نیست که تصمیم گیران را قانع کنیم که تحریم بد است. در حال حاضر کسی وجود ندارد که بگوید تحریم ها نعمت هستند.

کاسبان تحریم چه از دور زدن تحریم و چه از رفع حقوقی آن نفع می‌برند

ممکن است کسی بگوید که کاسبان تحریم مانع توافق می شوند. باید بدانیم که کاسبان تحریم هم هیچ مشکلی با این مدل مذاکره جمهوری اسلامی ندارند. چرا؟ به این دلیل که کاسبان تحریم چه از دور زدن تحریم ها و چه از رفع حقوقی تحریم ها نفع می برند. چگونگی این موضوع نیاز به توضیح دارد. در مذاکرات مستان ۹۹ به بعد که ابتدا آقای دکتر ظریف آن را آغاز کرد و تا بهار ۱۴۰۰ ادامه داد و بعد از آن به دوره آقای عراقچی و بعد به دوره آقای باقری رسید از مدل ویژه ای در مذاکرات استفاده می شد. این مدل مبتنی بر رفع حقوقی تحریم ها بود. یعنی تحریم های بر جامی آمریکا و برخی موارد دیگر رفع حقوقی می شد. سوالی که ما می پرسیدیم این بود که اگر این تحریم ها بخواد رفع شود و فردای آن بخوایم نفت مان را بفروشیم، با تگ SDGT (برچسب تحریم کاتسارای فعالیت های تروریستی) که آمریکایی ها ذیل تحریم کاتسا بر نفت ما زده اند، چه کار خواهیم کرد؟ مطلقاً طرف مقابل در حوزه تحریم های کاتسایی با تگ SDGT به شما هیچ گونه ضمانتی نمی دهد. نه اینکه یا کار افرای وجود دارد که نوشته است ما به شما اطمینان می دهیم که برای شما مشکلی ایجاد نمی شود. وقتی شما بدون پذیرش تعلیق ۱۲۰ روزه ادعای کنید مشکلی ایجاد نمی شود، دچار خطا شده اید.

سوال مهم فایننشال تایمز؛ چرا درگیری های خاورمیانه روی قیمت نفت اثر نگذاشت؟

اما روایت دیگری داریم که حاصل تحلیل نیست، بلکه حاصل تجربه است. مطلب را به نقل از یاد کست اخیر فایننشال تایمز خدمت شما ارائه می دهیم. در یاد کست مذکور از این سوال شروع می کند که اگر قبلاً در خاور میانه کوچک ترین اتفاقی رقم می خورد قیمت نفت در جهان افزایش پیدا می کرد. چگونه است که در حال حاضر دو ستون نظامی خاور میانه به یکدیگر وارد درگیری مستقیم شده اند و قیمت نفت تغییری نمی کند. سپس سوال را تکمیل می کند و می گوید که در سال ۲۰۱۸ بزرگ ترین تاسیسات نفتی عربستان هدف حمله قرار گرفت. چنین واقعه ای در شرایط عادی جهان را تغییری می داد (بنده به خاطر دارم که قیمت نفت در آن موقع کلاً ۳۰ درصد افزایش پیدا کرد و بعد هم کاهش پیدا کرد و افزایش قیمت به ۴۸ ساعت هم نرسید) چه اتفاقی افتاده است که شرایط این گونه شده است؟ پاسخی که کار شناس فایننشال تایمز می دهد نفت شیل است. تولد نفت شیل باعث شد که عملاً مر کزیت تولید نفت، از خاور میانه پر آشوب به آمریکا منتقل شود. این دو معنا دارد. یک معنایش این است که آمریکا که

تاسال ۲۰۱۴ مسئله اول آمریکا قدرت های بزرگ و

رقابت قدرت های بزرگ نبود. بعد از فضای فروپاشی شوروی، آمریکایی هایک احساس جلوفتادگی قابل ملاحظه ای داشتند. به همین خاطر هم دستشان را کاملاً برای دسترسی جهان به زیر ساخت توسعه صنعتی و سرمایه گذاری آمریکایی باز کرده بودند. چینی ها بزرگ ترین برنده این دوره اند. تا قبل از سال ۲۰۱۴، پرورنده افغانستان و عراق دو پرورنده شمار هیک آمریکا بودند. اتفاقاً به این جهت که مایکسری ابزار هایی در این دو کشور داشتیم، با همین ابزار محدودتش با آمریکا را کنترل می کردیم. از سال ۲۰۱۴ به بعد آمریکایی ها متوجه شدند که به طرز غیر قابل گریزی دور قیب آن ها دارند سر بر می آورند. اولاً روسیه و دوما و از آن مهم تر، آمریکایی ها با چین مواجه شدند.

بهره گیری چینی ها از بحران اقتصادی ۲۰۰۸ جهان با وجود تحریم آمریکا

آمریکایی ها فکر می کردند که می توانند با ابزار های صرفاً اقتصادی به و قتش چین را مهار کنند. قصد داشتند در سال ۲۰۰۵ چین را مهار کنند اما چون در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ در عراق گیر کردند و ما ایرانی ها باعث این اتفاق شدیم، موفق به این کار نشدند و بعد هم که بحران مالی بزرگ ۲۰۰۸ پیش آمد. با شروع بحران مالی سال ۲۰۰۸ آمریکایی ها به رغم میل باطنی شان که می خواستند چین را مهار کنند، بیشترین میزان معافیت های اعطایی به شرکت های آمریکایی را برای کار کردن در چین صادر کردند؛ چرا که گزینه ای جز این نداشتند که با ورود به بازار از مصرف چین و هم هزینه تولید کمتر در چین عملاً شرکت های خودشان را اسرا ننگه دارند. ممکن است این سوال برای کسی پیش بیاید که مگر ما نفت آمریکا و یا امنیت نفت خلیج فارس را تامین می کردیم و از طرف مقابل بقایا توسعه را می گرفتیم. گاهی اوقات در سال دهه ۱۳۴۰ مستقیماً به آمریکا نفت صادر می کردیم و از آن ها تامین مالی توسعه را می گرفتیم و گاهی هم در کف آن و در دهه ۸۰ به پرو کسی های آمریکا مانند کره و ژاپن نفت صادر کرد و در سیستم دلاری بستانکاری می شدیم. سپس از آن طرف کالای اساسی و خوراک برای دام وارد می کر دیم. این کلیت

معنای حکمرانی در ایران برای کنترل تورم و کنترل ارز بوده است، بنابر این به طور کلی تفاوت زیادی در این مدل از حکمرانی در کشور ما ایجاد نشده است. البته این بدان معنا نیست که ما خیلی

مکتبی و یا انقلابی نبوده ایم؛ چرا که اساساً تغییر تراز پرداخت های یک کشور چیزی از جنس برنامه توسعه صنعتی و تغییر ژئومیک کشور است و موضوع کالافنی است و با تغییر آدم ها حکومت تغییری نمی کند.

با تولید نفت شیل دیگر ناامنی در خلیج فارس برای آمریکایی ها مهم نیست

ایران کشوری است که بزرگ ترین صادراتش از دهه ۴۰ به بعد نفت بوده و بزرگترین وارداتش هم کالای اساسی بوده است. این در ژئوماست. آن کلان معامله ای که عرض شد تا سال ۸۹ کار می کرد و از سال ۸۹ به بعد با تولد نفت شیل از کار می افتد. نه تنها دیگر برای آمریکایی ها ناامنی خلیج فارس مسئله نیست، بلکه مشروط به این که اوضاع از حدود کنترل مورد نظرشان خارج نشود، مثلاً اتفاق خاصی برای عربستان رخ ندهد از ایجاد تنش ناراحت هم نمی شوند، چون بزرگ ترین کشوری که در حال حاضر از خلیج فارس نفت وارد می کند، چین است. یعنی ۴۰ درصد از انرژی ای که از تنگه هرمز عبور می کند، مربوط به چین است. پس اساساً آن برگ برنده ای که قبلاً داشتیم نه تنها دیگر ارزش ندارد؛ بلکه، در واقع ارزشش معکوس هم شده است. همان اقداماتی که قبلاً می گفتیم انجام می دهیم مانند بستن تنگه هرمز و تهدیدش هم جواب می داد، دیگر جواب نمی دهد. در سال ۹۸ تهدید بستن تنگه هرمز را اقصا عملیاتی کر دیم. به صورت گزینشی کشتی های انگلیسی، آمریکایی، یونانی و... را به بهانه آلوده کردن محیط زیست می گرفتیم. ما این ها را می گرفتیم که آمریکایی ها کشتی های ما را در تنگه مالانگیرند اما اثری نمی کرد.

انگیزه آمریکا از تحریم نفت ایران چیست؟

نفت و گاز شان را تحریم می کنند، مذاکرات خط لوله

قدرت گاز سیبری را پس از سال ها که محل بحث مابین گاز پروم و چینی ها برای صادرات گاز به چین بود، توسط پوتین از سر گر فتند و سه امتیاز بسیار بزرگ به چینی ها دادند و در ازای این سه امتیاز بزرگی که دادند، سهم آن ها در حوزه انرژی برای چین، بالای ۳۰ درصد شده است.

چیزی به نام جبهه شرق و باشگاه تحریمی ها وجود ندارد

آمریکایی ها از سال ۲۰۱۴ آمدند روی این موضوع متمرکز شدند و گفتند ما باید این تنوع مبادی را ضربه بزنیم. به این جهت که با سهم خودمان از بازار انرژی بیشتر شود یا روس ها. به چه علت روس ها؟ موضوع از این قرار است که همان اندازه که روس ها با آمریکایی ها دشمن و درگیر هستند به همان اندازه روس ها با چینی ها رقیب و دشمن هستند. به طور مثال در پرورنده ایران، چین و روسیه با یکدیگر قیب هستند.

تمام این گزاره ها حاکی از آن است که چیزی به نام شرق وجود ندارد که حالا مقابل نگاه به غرب کر دیم و حالا ببینیم به شرق نگاه کنیم. چیزی به عنوان باشگاه تحریمی ها وجود ندارد که مثلاً چین و روسیه هر دو تحریم هستند، پس ببینیم با یکدیگر همکاری کنیم، بلکه صرفاً خودی وجود دارد. ضمناً هر آن چیزی که در آن سمت جغرافیا وجود دارد دانش شرق نیست، هند ظاهر ا در شرق است اما رویکردش غربی است، بنابر این آمریکایی های خواهند یا سهم خودشان از حوزه انرژی در بازار چین بیشتر شود یا روسیه، تا در وقت مناسب خود به خدمت چینی ها بر سند. جهت نیل به این هدف باید سهم انرژی ایران و عراق را کاهش دهند. آمریکایی ها در عراق و در بندر فاو اپراتوری نفت را از طریق یک شرکت سنگاپوری بر عهده گرفته اند و هر موقع می خواهند چینی ها را اذیت کنند ۴۰ روز ترخیص نفت را عقب می اندازند.

هدف تحریم های ۹۷ به بعد تحت فشار قرار دادن روابط نفتی ایران و چین بود

آمریکایی ها در طول این مدت هر کاری توانسته اند انجام داده اند که یا با صادرات نفت ایران به چین را کم کنند یا آن را تحت کنترل قرار دهند. در همین خصوص مهم ترین پیشنهادی که ترامپ در زمان خودش در تابستان ۱۳۹۸ به ایرانی ها داد این بود که ما می آیم یک کانال سوئیس توسعه یافته (منظور از سوئیس

سفارت سوئیس در ایران به عنوان حافظ منافع آمریکا ست) ایجاد می کنیم و آن ها پس از بررسی، هر آن چه را که صلاح دانستند اجازه می دهند از اروپا خرید کنید. با این شرط که شما تمام پول نفت خودتان را که در چین بستانکاری می شوید، در صندوق در اروپا واریز می کنید. این بالاترین درجه پیشنهاد ترامپ در زمان اوچ قدرت ایران در سال ۱۳۹۸ است، که هنوز شهید سلیمانی شهید نشده و ما پهباد گلوبال هاوک آمریکایی را سرنگون کرده ایم. حالا اگر کسی در ایران تصور می کند که اثر کمپ کاسب است و ایلان ماسک منتظر است که ما در ایران به استار لینک اجازه فروش اینترنت را بدهیم معقول نیست. این از مورد اول، که نشان می دهد هدف از تحریم های دور دوم ایران تحت فشار قرار دادن روابط نفتی ایران و چین است.

ایران تنها مسیر دور زدن تنگه مالاکا برای چین است

دوما آمریکایی ها ابزار ی برای تحت فشار قرار دادن چین دارند به نام تنگه مالاکا. این تنگه، تنگه ای است که آمریکا از طریق اندونزی و سنگاپور حضور مستقیم امنیتی دارد و هر موقع می خواهند به چینی ها نشان دهند که می توانیم حضور شمارا محدود کنیم، آن جایک کشتی نفت ایرانی را تصرف می کند، بنابر این برای چینی ها تنگه مالاکا یک خفگی ژئوپلیتیک است. چیزی حدود ۶۵ درصد از مبادلات تجاری چین از این تنگه عبور می کند. در حوزه انرژی چینی های کوئشنر ها حل غیر دریایی خلق کنند اما هیچ راه حل غیر دریایی که شامل ایران نباشد، وجود ندارد.

سومین دلیل فشار آمریکا به ایران در پرورنده چین

سوما آمریکایی ها در بسته امنیتی روی یک سین کیانگ کاملاً ناام (یا یوغور ستان که منطقه ای

چهارشنبه، ۷ آذر ۱۴۰۳
شماره ۲۱۶۴۵
www.khorasannews.com



چین صادر می کنیم.

وابستگی ۲۰۰ درصدی در صادرات نفت

بنابر این صادرات نفت ما ۲۰۰ درصد وابسته است. صدر صد به چین و وابسته ایم، چون خریدار اصلی نفت ماست و صدر صد هم به آمریکایی ها وابسته هستیم، چون از کانال آمریکا صادر اتمان را انجام می دهیم و یوآن چین را به در هم امارات تبدیل می کنیم که در هم امارات یعنی همان دلار. تمام حرف ما این است که این ۲۰۰ درصد را تبدیل به ۲ تا ۵۰ صد کنید. هیچ دلیلی ندارد که ۸۵ درصد از تسویه ما با در هم امارات باشد بعد هم ناراحت باشیم که چرا چین و روسیه با امارات بر سر جزایر همیشه ایرانی هم صدا شده اند این بدان علت است که شما خودتان روابط مابین چین و روسیه را ذیل در هم امارات تعریف کرده اید.

شانگهای و بریکس تازمانی که نتوانیم تجارت دوجانبه با کشورها داشته باشیم شعار است

الان نیز به طور تقریباً ۹۵ درصد مشخص شده است که بر نامه اول ترامپ مهار چین است و هیچ برنامه ای برای مهار چین نیست که شامل مهار ایران نشود. آیا باید ناامید باشیم؟ خیر، این اتفاقاً زمینه را برای همکاری های بیشتر با چین فراهم می کند همان طور که در آذر ۱۴۰۱ چینی ها خرید نفتشان از ایران را دو برابر کردند در رابطه با روسیه هم زمینه های همکاری بسیار مناسب است اما صرفاً با شعار دادن موضوع حل نمی شود. پیمان شانگهای و بریکس تازمانی که شما نمی توانید با طرف های مقابل این پیمان ها، تجارت دوجانبه داشته باشید، صرفاً شعار است و به طریق

اولی نمی توانید در اتحادیه با اعضای آن کار کنید. آن هم اتحادیه نامتجانسی که در آن هم هندی وجود دارد که ذی نفع اصلی دلار است و هم چینی هست که ذی نفع اصلی راه حلی جایگزین آن است و هم روسیه ای وجود دارد که مابین این دو بازی می کند. بریکس بلیت قطاری است که هنوز راه نیفتاده است.

این بلیتی است که در جیب شماست و داشتن آن بسیار خوب است اما صرفاً با در اختیار داشتن آن به مقصد نمی رسی. در واقع هیچ راه حل راحتی وجود ندارد. این خوش خیالی است که هیچ اقدام عملی قابل توجهی در حوزه مبارزه با تحریم ها انجام نمی دهیم بعد یکبار عده ای از خارج بیایند و خوش باورانه تحریم ها را برای ما بردارند اما آیا می شود با چین و یا هند و یا روسیه تجارت دوجانبه داشته باشید؟ تجارت دوجانبه غیر از این است که با یکدیگر واردات و صادرات داشته باشید. معنای تجارت دوجانبه این است که شما می کوشید تا ما از حساب تجاری خودتان را با طرف مقابل به صفر برسانید. این به غیر از تهاتر است.

چرا مسئله شماره یک عده ای باید حضور ظرفی در دولت باشد؟

در همین زمان امکانات بالقوه ما از امکانات بالقوه خودمان در دوره قبل بیشتر است بالاخره بعد از کمی فشار به سراغ این راه حل خواهیم رفت اما ببینید مع الاسف در حال حاضر در فضای سیاسی ما چه مسائلی سر زبان هاست و تا چه اندازه با این عرایضی که داشتیم مطابقت دارد مثلاً ببینید الان چه لزومی دارد که سوال شمار هیک ما این باشد که آقای ظرفی در دولت حضور نداشته باشد با این که خود بنده در دورانی منتقد جدی ایشان بوده ام. با مثلاً بزرگ ترین دستاورد دولت پس از ۱۰۰ روز آزاد کردن واردات آیفون باشد.

خودمختار در چین است) حساب باز می کنند. یک سین کیانگ نامن یک افغانستان آشفته می خواهد و یک افغانستان آشفته یک ایران ضعیف می خواهد. لذا ایران حداقل از سه زاویه از سوی آمریکا، به جهت پرورنده چین، تحت فشار قرار دارد. این بدین معنا نیست که پرورنده هسته ای شما مهم نیست، معنایش این نیست که پرورنده موشکی شما مهم نیست، معنایش این نیست که پرورنده اعضای محور مقاومت مهم نیست. تصور این که با دادن این موارد تحریم ها رفع می شود، کاملاً غلطو اشتباه است. شما بخشی از یک بازی بزرگ تر هستید، بخشی از یک پرورنده چند جانبه هستید. بنابر این کلان روایت این است که هدف طرف آمریکایی یک ایران کلنگی است چرا که یک ایران قوی فارغ از آن که چه کسی در راس حکومت باشد، آن ها فعلاً تا اطلاع ثانوی مهم ترین گزینه شان تا لحظه ای که با چینی ها و روس ها تعین تکلیف کنند، یک ایران ویران است.

نقش ایران در ابتکار کمر بند و راه چین

از آن جایی که چین به رشد نیاز دارد و در داخل خود کم کنند یا آن را تحت کنترل قرار دهند. در همین خصوص مهم ترین پیشنهادی که ترامپ در زمان خودش در تابستان ۱۳۹۸ به ایرانی ها داد این بود که ما می آیم یک کانال سوئیس توسعه یافته (منظور از سوئیس سفارت سوئیس در ایران به عنوان حافظ منافع آمریکا ست) ایجاد می کنیم و آن ها پس از بررسی، هر آن چه را که صلاح دانستند اجازه می دهند از اروپا خرید کنید. با این شرط که شما تمام پول نفت خودتان را که در چین بستانکاری می شوید، در صندوق در اروپا واریز می کنید. این بالاترین درجه پیشنهاد ترامپ در زمان اوچ قدرت ایران در سال ۱۳۹۸ است، که هنوز شهید سلیمانی شهید نشده و ما پهباد گلوبال هاوک آمریکایی را سرنگون کرده ایم. حالا اگر کسی در ایران تصور می کند که اثر کمپ کاسب است و ایلان ماسک منتظر است که ما در ایران به استار لینگ اجازه فروش اینترنت را بدهیم معقول نیست. این از مورد اول، که نشان می دهد هدف از تحریم های دور دوم ایران تحت فشار قرار دادن روابط نفتی ایران و چین است.

ادعای غلط جلیلی و طرف مقابلش درباره دلایل افزایش صادرات نفت

ما در حال حاضر کتک خور چین و روسیه هستیم بدون آن که بنابر دلایل داخلی توانسته باشیم از مزایای این هم پیمانی اجباری و ژئوپلیتیک با چین و روسیه استفاده ببریم. الان در تهران ادعا می شود که ما بدون احیای بر جام ژئوستیم میزان صادرات نفتمان را افزایش دهیم. یک طرف مانند آقای جلیلی ادعا می کند که راه حل های خلافتان رائه کرده ایم و به همین دلیل میزان صادرات افزایش پیدا کرده است. طرف دیگر هم می گوید، چون در توافق کنترل تنش آمریکایی ها چشم هایشان را بسته اند، صادرات نفت ما زیادت شده. هر دو اشتباه می گویند. تفاهم کنترل تنش مربوط به تابستان ۱۴۰۱ است در حالی که افزایش صادرات نفت مربوط به آذر ۱۴۰۱ است. چرا در این مدت زیادت نشده بود. چینی ها در آذر ۱۴۰۱ به علت این که فهمیده بودند آمریکا و روسیه برای ضربه زدن به چین آماده می شوند (تفاهم آمریکا و روسیه هم به این صورت بود که آمریکایی ها معافیت هایی برای صادرات نفت و روسیه به اروپای شرقی صادر می کردند و این باعث می شد دست روس ها برای چانه زنی با طرف چینی افزایش یابد) که به تهران آمدند و میزان خرید نفتشان را تقریباً حدود دو برابر افزایش دادند. این بدان معناست که آمریکایی ها اگر بخواهند می توانند جلوی صادرات نفت ایران را بگیرند، چون ما از کانال های آمریکایی نفتمان را به